info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۴۰۹
چهارشنبه ۵ / تیر / ۱۳۹۸
۲۲ / شوال / ۱۴۴۰
26 / June/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه مهر گاماران اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: بافرده حیدری
نشانی: کرج، بلوار توانیر، خیابان فرهنگ، جنب کافون، کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۵۴۳۸۳-۲۲۵۵۴۳۴۳-۰۲۶ فکس: ۲۲۵۵۴۳۸۳
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۸۹۷۸۶۹۴۹-۰۲۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۳۴/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۲۲۵۵۴۳۸۳
۲۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

خبرچه

«تهران» با قطار به «وان» وصل شد

قطار بین‌المللی تهران-وان از سوم تیرماه راه‌اندازی شد و قرار بر این است که با احتساب تخفیف قابل ملاحظه نسبت به نرخ اصلی آن در جدول کرایه‌های مشترک راه‌آهن‌های خاورمیانه، در مسیر رفت یا برگشت (بلیت یکسره) فعلا به میزان ۲۲۵ هزار تومان برای بزرگسالان و ۱۳۰ هزار تومان برای خردسالان باشد.

به گزارش پیام آشنا، محمد رجبی، مدیرعامل شرکت حمل و نقل ریلی رجا در مراسم راه‌اندازی قطار بین‌المللی تهران-وان، اظهار کرد: «این قطار در راستای توسعه همکاری‌های کشورهای منطقه و گسترش صنعت ایرانگردی و جهانگردی، با همکاری راه‌آهن‌های ایران و ترکیه راه‌اندازی شده است.»

قطار تهران-تبریز-وان ساعت ۹:۳۰ صبح دیروز از تهران حرکت کرد و شامگاه به شهر تبریز رسید و قطار یاد شده از ایستگاه تبریز نیز مسافرگیری و ساعت ۲۲:۳۰ به سمت ایستگاه مرزی رازی حرکت می‌کند. مسافران در ایستگاه رازی از قطار پیاده شده و تشریفات گمرک و گذرنامه (خروج از ایران) را انجام می‌دهند. سپس قطار به سمت ایستگاه مرزی کاپیکوی در راه‌آهن ترکیه حرکت کرده و در این ایستگاه نیز مسافران از قطار پیاده شده و تشریفات گمرک و گذرنامه (ورود به کشور ترکیه) را انجام خواهند داد و براساس توافقات مرزی و تشریفات اعلام شده در هر ایستگاه، حدود دو ساعت این مراحل طول می‌کشد. قطار پس از حرکت از ایستگاه کاپیکوی، حدودا ساعت ۸ صبح روز سه‌شنبه چهارم تیر به وقت ترکیه وارد ایستگاه مقصد یعنی وان می‌شود که در مجموع مدت زمان انجام این سفر در مسیر رفت یا برگشت حدود ۲۴ ساعت است. گفتنی است طبق اعلام قبلی قرار بر این است که قطار تهران-آنکارا ششم تیرماه سال جاری راه‌اندازی شود که نرخ بلیت قطار از ۴۳ یورو و مدت زمان سیر آن نیز ۶۰ ساعت برآورد شده است. ۱۲ خردادماه سال جاری بود که سعید رسولی، مدیرعامل شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران از راه‌اندازی قطار تهران آنکارا-وان - تهران به‌صورت رفت و برگشت از اوایل تیرماه سال جاری به تعداد هفته‌ای یک قطار خبر داد.

پیشنهاد افزودن «ونیز» به لیست میراث جهانی در خطر

شهردار ونیز از یونسکو درخواست کرد این شهر را به سبب در امان ماندن از آسیب‌ها، در فهرست میراث جهانی در خطر قرار دهد. به گزارش تلگراف، پس از آنکه وزیر حمل و نقل ایتالیا نتوانست طرحی برای جلوگیری از ورود کشتی‌های بزرگ تفریحی به کانال مرکزی شهر ونیز ارائه دهد، لوئیجی برونیارو، شهردار ونیز از یونسکو درخواست کرد این شهر تاریخی را در فهرست میراث جهانی در معرض خطر خود وارد کند.

به گزارش پیام آشنا، چندی پیش و در اوایل ماه ژوئن یک کشتی بزرگ در ونیز با یک قایق توریستی برخورد کرد و این امر موجب شد تا بحث‌های پیرامون حضور این کشتی‌های بزرگ و آسیب‌های آن به زیرساخت‌های تاریخی شهر و محیط شکننده تالاب ونیز دوباره مطرح شود و حالا شهردار ونیز می‌گوید ما خطر را به خوبی احساس می‌کنیم و شهر در خطر است. پس از حادثه برخورد کشتی و قایق توریستی در ونیز، دانیلو تونینلی، وزیر حمل نقل ایتالیا قول داده راهی برای جلوگیری از عبور و مرور کشتی‌های بزرگ در این شهر پیدا کند اما تاکنون مسوولان شهری ونیز هیچ طرحی را ارائه نداده اند.

در حال حاضر کشتی‌های بزرگ این اجازه را دارند در فاصله چند صد متری از میدان معروف سنت مارک و مرکز تاریخی شهر ونیز عبور و به سمت ترمینال بین‌المللی مسافری شهر حرکت کنند. اما اتفاقه شدن ونیز به فهرست میراث جهانی در معرض خطر، ورود به شهر را به شکل قابل ملاحظه‌ای محدود می‌کند. ساخت یک مسیر جایگزین برای حرکت کشتی‌ها که نیازمند لایروبی کردن کانال‌ها و ساخت یک بندر گاه جدید است، تا چهار سال زمان نیاز دارد. یونسکو پیش از این به دولت ایتالیا تا سال ۲۰۱۷ فرصت داده بود تا راهی برای محافظت از شهر تاریخی ونیز بیابد و در غیر این صورت شهر در فهرست میراث جهانی در خطر قرار خواهد گرفت. این مهلت قانونی در ابتدا یک سال و سپس تا سال ۲۰۲۱ تمدید شد. شهر ونیز و تالاب آن در سال ۱۹۸۷ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد.

امروز با حافظ

ای که طبیب خسته‌ای روی زبان من ببین
کاین دم و دود سینه‌ام بار دل است بر زبان
گر چه تب استخوان من کرد ز مهر گرم و رفت
همچو تبم نمی‌رود آتش مهر از استخوان

خوانده

ز عکس چهره‌ی خود چشم مأمور کن
که دیده را جز از آن وجه روشنایی نیست

عبیدزاکانی

اذان ظهر — اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۳	۰۵:۵۲	۱۳:۰۹	۲۰:۲۵	۲۰:۴۵

برگه

هنگامی که در شادی به روی انسان بسته می شود بلافاصله در دیگری باز می شود اما ما آنقدر به در بسته خیره می شویم که در باز شده را نمی بینیم.

هلن کلر

داستانک اختصاصی

مرگ وجدان

فاطمه امامی

مـرگ وجـدان؛ این نام اشنایی بود که دخترم از من خواست در نوشتنش به او کمک کنـم. به او گفتم مرگ وجدان یک اصطلاح است برای جامعه ای کـه میزان خطاهای انجام شده از افراد آن قدر زیاد می شود که گویا فکر می کنی وجدان مرده است.

"مامان! آیا امکان دارد مثالی بزنید؟"

پاسخ دادم: بله دختر عزیزم، برای مرگ وجدان از مراتب کوچک تر و خطاهای کوچک شـروع می شود تا به خطاهای بزرگ برسد. به عنوان مثال از حیوانات شروع می کنیم مثلا لاک‌پشت حشره یا یک پرنده ی کوچک را بدون هیچ دلیلی آزار می دهی این گناه برای تو آنقدر عادی می شود که ممکن است گناههای بزرگتر انجام دهی مثلا باعث مرگ گربه و یا سگ داخل خیابان شوی یا در طبیعت نسبت به همه موجودات زنده بیرحمانه برخورد کنی چون متاسفانه موج متقی گناهان کوچک ذره ذره در وجود او رسوخ می کند که وجدانش دچار نقصان می شود.

انسان فطرت پاک و مهربانی دارد و اگر در انرژی متقی خطاهای خود بمانیم هم خود و هم دیگران را آزار می دهیم. انسان اگر در خطاهای خود اصرار کند و در انرژی متقی اصل خود محاصره شـود راهی برای ورود انرژی و امواج مثبت نمی باشـد. اگر راه ای را در خیابان می اندازیم و می گوییم همه انداختنـد ما هم یکی از آن ها انتقاتی نمی افتد. اگر دروغ بگوییم و بگوییم دیگران این همه دروغ مـی گویند ما هم یکی از آن ها انتقاتی نمی افتد اگر زباله های خشک و تر خود را تفکیک نکنیم و بگوییم این همه آدم خطاهایی کنند ما هم یکی از آن ها فراموش کرده ایم که همه سوار یک کشتی هستیم. اگر یک نفر از مسافران کشتی فقط یک سوراخ کوچک در کشتی ایجاد کند می تواند آینده همه مسـافران را به خطر بیاندازد. ما همه نسبت به رفتارهای خودمان مسئولیم. انرژی متقی خطاهای بـزرگ در یک خانواده گریبانگیر بقیه اعضای خانواده می شود این قانون طبیعت است برای هر عملی عکس العملی است به اندازه ی آن. اگر بـه دیگری ظلم کنی و مال او را چپاول کنی، دروغ بگویی، تهمت بزنی، فضولت نلرست بکنی موج و انرژی متقی از خانواده او دور نخواهد شـد. این انرژی متقی به خود او آسیب می زند یا به هم سطح انرژی او که اعضای خانواده اوست آسیب می رساند. با افکار و اعمال و انرژی مثبت، انرژی مثبت را به خانواده خود و دیگران هدیه کنیم.

مهربانی باعث مهربانی می شود. مسئولیت پذیری و وجدان کاری یک نوع نگرش مثبت همراه با انرژی مثبت است که باعث ارتقای جامعه می شود. اگر فکر کنیم برای همه اعمال ما یک کنترل کننده باید باشد و دور از چشم دیگران خطا کنیم و هیچ اتفاقی نمی افتد. حتی اگر قانون را دور بزنیم، راه را اشتباه رفتیم چون وجدان بیدار و پاک از ضروریات یک جامعه سالم اسـت و کنترل کننده رفتار ما همان انرژی مثبت و متقی اعمال ما خواهد بود که اولین انعکاس آن به خانواده خودمان خواهد بود که موج و انرژی مثبت باعث ارتقای روزی و کسب و کاربرای او و خانواده و نسل او تا ابد خواهد داشت. انرژی متقی باعث تباهی خود و آینده فرزندان و نسل او خواهد شد پس مراقب اعمال و رفتار خود باشیم گریزی از قانون طبیعت نیست.

خبر

آلودگی هوا و تعطیلی بیش از ۴۰۰ مدرسه در مالزی

در پی تشدید آلودگی هوا در مالزی و بیمار شدن تعدادی دانش‌آموز بیش از ۴۰۰ مدرسه در این کشور تعطیل شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مشهوری، به دنبال بیمار شدن ۷۵ دانش‌آموز که به مشکلات تنفسی و استفراغ دچار شده بودند بیش از ۴۰۰ مدرسه در ایالت «جوهور» مالزی تعطیل شد.

مقامات محلی با بیان این که کارشناسـان در حال بررسـی مورد اخیر آلودگی هوا هسـتند که طی روزهای اخیر این ایالت را درگیر کرده، گفتند: مدارس واقع در این منطقه صنعتی تا روز پنجشنبه تعطیل شدند. در ماه مارس نیز حدود ۴۰۰۰ نفر که بیشتر آنان کودک بودند، به دلیل نفوذ پسـاندهای شیمیایی به رودخانه بیمار شـدند. بیش از ۱۰۰ مدرسه ابتدایی و راهنمایی در کنار ۳۰۰ مهد کودک خصوصی در میان مراکز آموزشی هسـتند که فعالیت آن‌ها طی این هفته به طور موقت متوقف شده است. بنابر اعلام مقامات محلی حدود ۷۵ دانش‌آموز از ۱۵ مدرسه به دلیل مشکلات تنفسی و استفراغ به مراکز درمانی منتقل شده‌اند. همچنین بررسی جزئیات این حادثه و علت بیمار شدن این تعداد دانش‌آموز در دست انجام است.

گزارش

ماجرای چاق و لاغر شدن پوشش مردم!

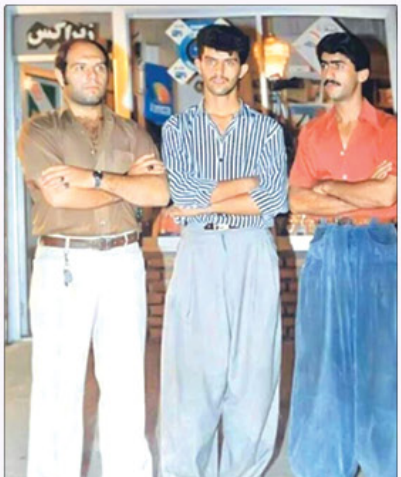

عیسی محمدی- سلیقه، امری محسـوب می‌شود که بهشـدت وابسته به تاریخچه زندگی فرهنگی، اجتماعـی و خانوادگی هر کسی اسـت. به همین دلیل است که سـلیقه‌ها این‌چنین متفاوت هسـتند؛ چرا که هر کسی، خاستگاه خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی متفاوتی داشته و دارد. به همین دلیل اسـت که در حوزه‌های مختلف که ماجرای سـلیقه پیش می‌آید، تنوع‌های مختلفی را می‌بینیـم. کاملاً هم طبیعی است؛ چرا که خاستگاه‌ها متفاوت هستند و منحصر به فرد.

البته این چیزی هم که می‌گوییم، منتقد؛ با این نیست که سلیقه‌ها جمعی هم باشند؛ اتفاقاً می‌تواند جمعی هم باشند، چرا که خاستگاه فرهنگی و اجتماعی یک جمع، می‌تواند بهشـدت نزدیک به هم باشد. در حـوزه مد و لباس و پوشـش ظاهری نیز وضعیت چنین اسـت. به همین دلیل در دهه‌های بعد از انقلاب، سلیقه‌ها و تیپ‌های مختلفی می‌دیدیم.

دهه۶۰: مدل انقلابی مایل به چپ

به دهه ۶۰ سفر می‌کنیم؛ آن هم در حالی که از دهـه ۵۰ شمسـی با آن موهـای بلند و عینک‌هـای کائوچویـی و شـالوارهای پاچه‌گشـاد و پیراهن‌های یقه‌بـاز و... دور شده‌ایم. قضای اجتماعی و فرهنگی، متأثر از انقلاب و پارادایم انقلابی است؛ سادگی‌زیستی و ارزشـی‌بودن و مفاهیمی از این دسـت. بـه واقع دهه ۵۰ به‌شـدت متأثر از فقتا و فرهنگ غربی بـود و دهه ۶۰، متأثر از یک قـدحمله به این فقتا و فرهنگ.

به همین دلیل بود که مد انقلابی شـکل گرفت؛ چیزی کـه بعضی‌ها هم به آن مد چیزنده می‌گویند. یکدسـتی و عمومیت در این سـلیقه پوششی، به‌شدت به چشم می‌خـورد. بخشـی از آن معلول جنگ و انقـلاب و تحریم‌ها و مشـتولیت مردم و جامعه به این موارد و اولویت‌های دسـتاول بود. بخشی هم به‌دلیل دستورالعمل‌هایی کـه اجازه بروز تنوع پوششـی را نمی‌داد. مردان، بیشتر با شلوارهای پارچه‌ای گشاد و پیراهن‌های ساده و غالباً اندانخته‌شده روی شلوار شناخته می‌شدند.

برای فضاهای رسمی و اداری هم که غالباً کت و شـلوار بدون کـراوات مد بود. البته اورکت‌های آمریکایی هم جزو شاخصه‌های پوشش مردانه این دهه محسوب می‌شدند. از دیگـر نمودهای پوششـی در این دهه، می‌توان به ریش و سبیل، سبیل‌های تکی، ماتنوهای گشاد، چادر، مقنعه و... اشاره کرد. افرادی که دنبال مدهـای روز می‌رفتند، از حیث قانونـی یا اجتماعـی (از طریق برچسب‌خوردن و کنایه و...) با برخوردهای نرم و سخت روبه‌رو می‌شدند. پانکی‌ها هم در نیمـه‌دوم دهه ۶۰ دیده می‌شـدند که چندان فراگیر نبودند و نوعی آسیب به‌شمار می‌رفتند.

دهه۷۰: رنگ‌ها به میدان باز می‌گردند

مـد و وقایع تاریخـی و اجتماعی و حتی سیاسی، ارتباطی تنگاتنگ با هم دارند. در دهه ۷۰، جامعه ایرانی از جنگ هشت ساله فارغ و وارد دوره بازسازی شده بود. از سوی دیگر، شیوع ویدئو و تلویزیون‌های ماهواره‌ای ترک و اروپایی و... باعث شـده بود تا آنها با رویکردها و سبک زندگی‌های دیگری آشنا بشوند. این آشنایی تأثیر خودش را بر سبک زندگی مردم گذاشت؛ به واقع مدگرایی باز هم فرصت تنفسی در جامعه پیدا کرد.

کاهش سخت‌گیری‌های دهه ۶۰ و نیز افزایش واردات پوشـاک خارجی و ترک و... در این امر نیز بی‌تأثیر نبود. در این دهه، البته هنوز هم پوشش‌های ساده قبلی پابرجا بود، اما در جنگی سرد با پوشش‌ها و افتتاقات جدید زمانه. این تقابل، بین شلوار پارچه‌ای و جین، پیراهن‌های سـاده و تی‌شرت، کوتاه‌کردن سـاده موی سـر و صورت با حالت‌دادن به موها، ماتنوها و مقنعه‌ها و چادر با ماتنوهای خفاشـی و موهای افشان کم‌کم بیرون‌زده از زیر شـال‌ها و روسری‌ها و شبیه آن قابل مشاهده بود. سبیل مردانه هنوز قدرت‌نمایی می‌کرد، اما کم‌کم اعتبارش را داشت از دست می‌داد. رنگ‌ها نیز به لباس‌های زنانه و حتی مردانه اضافه می‌شـدند و این تنوع رنگ‌ها جزو مهم‌ترین اتفاقات پوششی این دهه بود.

دهه ۸۰ و ۹۰: روزگار تقابل‌ها و تحیرها

از دهـه ۸۰ به بعد، اینترنت هم وارد فضای مد و سلیقه پوششی شهروندان شد. دیگر مدهای جدید، به سرعت برق و باد شیوع پیدا می‌کردند. موج‌پوشی و سرعت، از خصیصه‌های مدها و پوشش‌های این دوره به شمار می‌رفت. کم‌کم پای سبک زندگی غربی و ولنتاین و رنگ سال و... هم به این حوزه اضافه می‌شد.

سـایبریتی‌ها هم جزو گروه‌هـای مرجع قـرار می‌گرفتنـد تا هر کاری کـه انجام می‌دادند، به نوعی توسط مردم تقلید شود. ماتئوفروشی‌ها و پوشاکی‌ها نیز مثل قارچ از جاهـای مختلف روییدن گرفتند؛ حتی پارکینگ‌ها نیز تبدیل به مزون و فروشگاه پوشاک و تولیدی و... شدند.

سبیل‌ها دیگر به چشم نمی‌خوردند و کلاً جای خودشـان را به مدل‌های خاصی از ریـش و ریش‌های پروفـسـوری و... دادند. کراوات هـم کم‌کم عرض‌انـدام می‌کرد.

دهه ۸۰، البته دهه ظهور احمدی‌نژادیـسم هم بود. وقتی تقابل این موج‌های مدگرایی و دولـت احمدی‌نژاد اتفاق افتـاد، دوباره برخوردهای پلیسـی و گشـت‌ارشاد و مقابله با ماتنوهای خاص و... در دسـتور کار قرار گرفت.

حتی کارگروه سـاماندهی مد و لباس هم شکل گرفت. از یک سو تلاش بدنه رسمی برای سر و شـکل‌دادن به این بازار بلبشو را شـاهد بودیم و از سوی دیگر، فرهنگ عمومی سـطح جامعه که بـه نوعی راه خودش را می‌رفت، با ورود دهه هفتادی‌ها به عرصه اجتماع نیز این وضعیت بغرنج‌تر و خاص‌تر شد.

در مورد دهه هفتادی‌ها، در کل کلیشه‌هایی در جامعه رایج شده است؛ از جمله سرگردانی و جسارت و آوانگاردی این نسل در اطلاعات تکنولوژیک روز و آشنایی به زبان انگلیسی و ...همین امر، منجر به استفاده از پوشش‌های خاص و گاه متحیرکننده از سوی این نسل می‌شد. این وضعیت به دهه ۹۰ نیز کشیده شـد و هنوز تداوم دارد؛ طوری که گاه در مدل مو و پوشش و سـلیقه‌های انتخاب لباس، عملاً با دنیایی دیگر و آدم‌هایی دیگر روبه‌رو هستیم.

بریده جراید

مگر چند تا سعدی داریم؟!

ایسنا- رئیس هیات مدیره انجمن مجسمه‌سازان ایران می گوید: ساخت آثار بدشکل هنری در سطح شهر از چند منظر قابل بررسی است: اول نهاد سفارش‌دهنده. آنها باید با توجه به مراتب کار حق و حقوق هنرمند را از جمله زمان لازم برای پروژه، متریالی که قرار اسـت هنرمند با آن کار کند و مبالغ قرارداد در نظر بگیرند. بعد از آن نیز باید درباره آن شخصیت خاص مطالعه و پژوهش شود که این کار در ایران خیلی انجام نمی‌شود. دوم اینکه هنرمندی که تن به چنین کارهایی می‌دهند مشکل خودشان است. چون ممکن است هنرمند از روی استیصال تن به چنین کاری بدهد. از همه اینها بدتر سپردن کار به افراد ناکارآمد است که شاید انجمن حتی صلاحیت آنها را قبول نکند.

ساخت مجسـمه‌ها و سردیس‌هایی بدشکل از مشاهیر ملی در ماه‌های اخیر حاشیه‌های بسیاری را به همراه داشته است؛ آثاری که بعضا داد هنرمندان را درمی‌آورند و به سـرعت هم با هدف اصلاح از محل نصب برداشته می‌شوند.

برخی هنرمندان و کارشناسـان هنری با این نگاه که سـاخت پرتره‌های بدشکل از مشاهیر، در ذهن‌ها ماندگار می‌شود، می‌تواند در تحریف چهره آن شخص اثرگذار باشد و در تاریخ ثبت شود، بارها در این خصوص هشدار داده‌اند.

چندی پیش بحث بر سر سردیس جمشید مشایخی بود که به دلایل مختلف شباهت خاصی به خود این چهره نداشت. پس از آن هم در هفته‌های گذشته اثر یادبودی برای سعدی در شیراز نصب شـد که به دلیل شباهت نداشتن به تصاویر موجود از آن شـاعر پرآوازه و شکل نامناسـب طرح، واکنش‌هایی را از سوی کاربران شبکه‌ها و فضای مجازی به همراه داشت.

مسـئولان شیراز که پس از گذشت ۶۷ سال از ساخت مجسمه سعدی شیرازی توسط ابوالحسن صدیقی، در پی نصب یادمان جدیدی بودند، اثری را نصب کردند که برعکس مجسمه سعدی که اثری ماندگار اسـت، مایه انتقاد و گله اهالی هنر شـد. این مجسمه فردای روزی که نصب شد، برداشته شد. خبرنگار ایسنا تلاش کرد تا دلیل نصب چنین مجسمه‌ای و برداشتن آن را جویا شود ولی در نهایت کسی حاضر به پاسخگویی نبود.

در همین راسـتا ایسـن موضوع با رییس هیئـت مدیره انجمن مجسمه‌سازان مطرح شد تا نظر او را درباره این که چرا ساخت سردیس‌ها و مجسمه‌های بد شـکل مدام اتفاق می‌افتد، جویا شویم.

عباس مجیدی به ایسـنا می‌گوید: پیش از هر چیز باید بدانیم که آن اثر آیا ارزش هنری دارد یا نه و آیا اثر توسط یک هنرمند ساخته شده یا خیر. بسیاری از هنرمندان ما در حال حاضر بیکار هسـتند. بسیاری از آنها حاضر نیسـتند با هیچکدام از نهادها همکاری داشته باشند. دلیل آن هم روشن است. چون قراردادها متناسب با شأن هنرمند از لحاظ مبالغ دریافتی و زمان، نیست و از طرفی هنرمند تحت فشار قرار خواهد گرفت؛ به نحوی که او را مجبور می‌کنند ظرف مدت کوتاهی کار را انجام دهد؛ گرچه که شاید آن پروژه به سه ماه زمان نیاز داشته باشد.

مجیدی اضافه می‌کنـد بنابراین اکثر هنرمنـدان حرفه‌ای با نهادهای دولتی همکاری نمی‌کنند. خود من در دو سال گذشته حتی یک پروژه دولتی هم انجام ندادم، زیرا مجبور نیستم که به چنین چیزی تن بدهم. از طرفی در شهرسـتان‌ها رایج است که به سراغ هنرمندان تازه‌کار یا کسانی که حرفه‌ای نیسـتند می‌روند چـون این افراد حاضرند با ارقام خیلی کـم پروژه‌ها را به انجام برسانند. گرچه که شاید این افراد حتی مجسمه‌ساز هم نباشند.

این هنرمند مجسمه‌ساز بیان می‌کند که ساخت مجسمه‌های بد شکل به نهادهایی که صاحب پروژه هستند بازمی‌گردد، این قبیل مشکلات تازه نیسـتند و سـالیان سال اسـت که ما شاهد کارهای تصعیفی در سطح شهرها هستیم.

رئیس هیات مدیره انجمن مجسمه‌سازان ایران تصریح می‌کند: این امر تنها مختص مجسـمه‌ها نیسـت و به دیگر پروژه‌های هنری در حوزه‌های مختلف که در سـطح شهر نصب می‌شوند هم برمی‌گردد. بالای ۵۰ درصد از آثار هنری شهری که در سطح ایران کار می‌شود زیر ابتدایی‌ترین اصول هنری هسـتند؛ کسی هم درباره آن‌ها پاسخگو نیست.

او با بیان اینکه این موضوع از چند منظر قابل بررسـی اسـت، می‌گوید: اول نهاد سفارش‌دهنده است. آنها باید به مراتب کار حق و حقوق هنرمند را از جمله زمان کار، متریالی که با آن کار می‌کند و مبالغ قـرار داد را در نظر بگیرند. بعد از آن نیز باید درباره آن شخصیت خاص مطالعه و پژوهش شود که انجام نمی‌شود. دوم اینکه هنرمندانی هم که تن به چنین کارهایی می‌دهند مشکل خودشان است. چون ممکن است هنرمند از روی استیصال تن به چنین کاری بدهد. از همه اینها بدتر سپردن کار به افراد ناکارآمد است که شاید صلاحیت آنها را انجمن اصلا قبول نکند.

مجیدی در پایان می‌گوید: شهر مراتبی دارد که باید با توجه به آن، اثـر هنری را در هر منطقه قـرار داد که به این امر توجهی نمی‌شود. مجسمه‌ای که در شهر قرار می‌گیرد با مجسمه‌ای که در گالری عرضه می‌شود متفاوت است. چهره سعدی همان است که استاد صدیقی جا انداخت و پس از آن به شکل منطقی بهتر اسـت، دیگران هم چهره سعدی را همان گونه ارائه دهند؛ البته ممکن است شخصیتی باشد که هنرمند قبلا تصویری از او ندیده باشد. ولی وقتی ما از قبل یک الگو داریم، برای ساخت مجسمه یا حتی کشیدن چهره مشاهیر باید روی شخصیت آن قرد مطالعه و پژوهش انجام دهیم و سپس به شباهت‌سازی آن فکر کنیم.

ضمن اینکه هنرمند می‌تواند با مطالعه و پژوهش آثاری که پیشتر درباره یک شـخصیت ارائه شده اسـت، در نهایت اثری را از قبلتر ذهنی خود عبور داده و در نهایت کاری با امضای خود را عرضه کند.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان- در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS